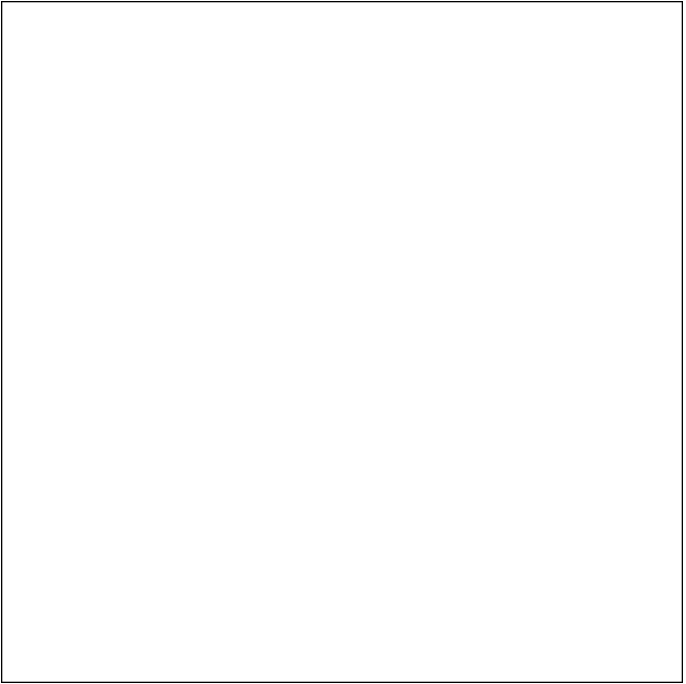


تعارف



✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Aakane
📄 Sam Saf
|| 3
😊 قارىسى Fa



LIDA Stories

lidastories.net

تعارف

✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Aakane
📄 Sam Saf

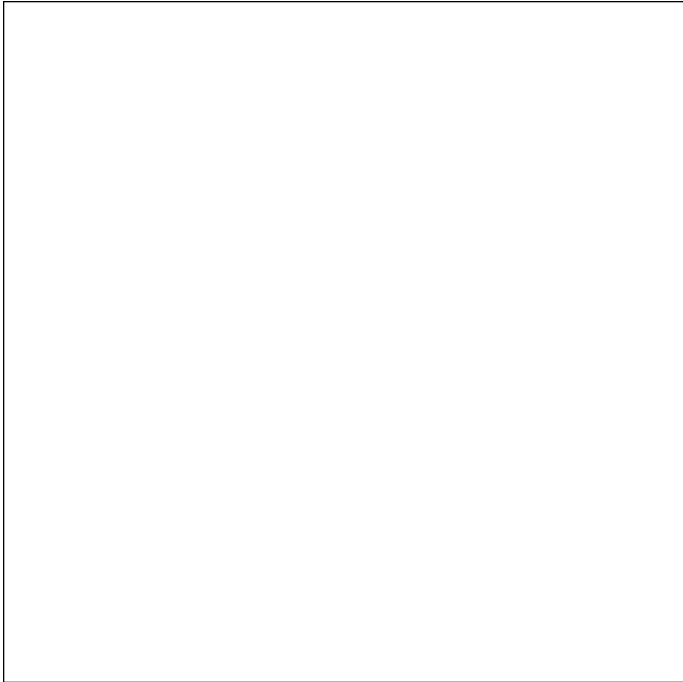


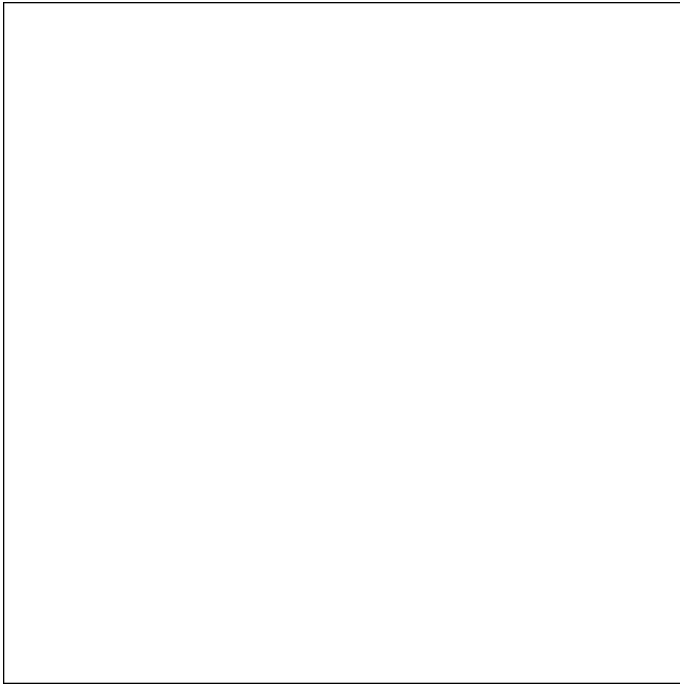
This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>



گرلوس سوار یک اسکوتر همیشه. اون خیلی تند
میره.

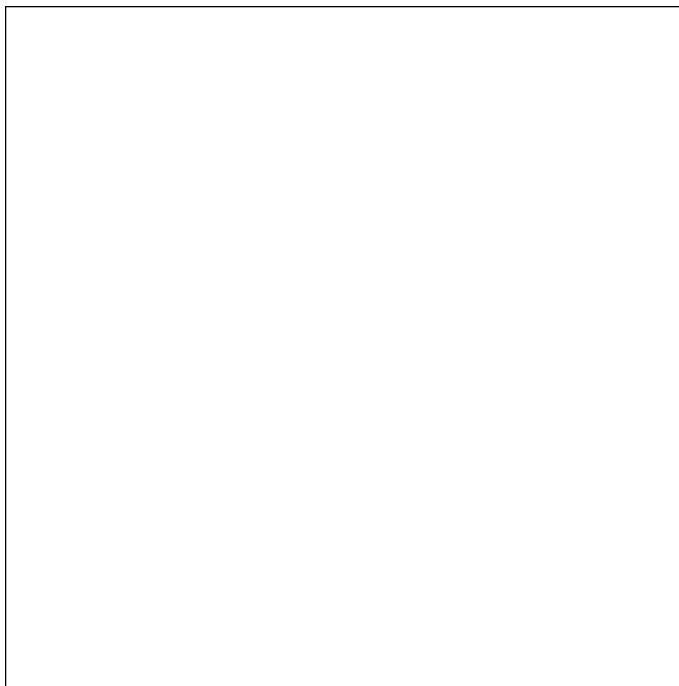
تساوی در اینجا درست است.



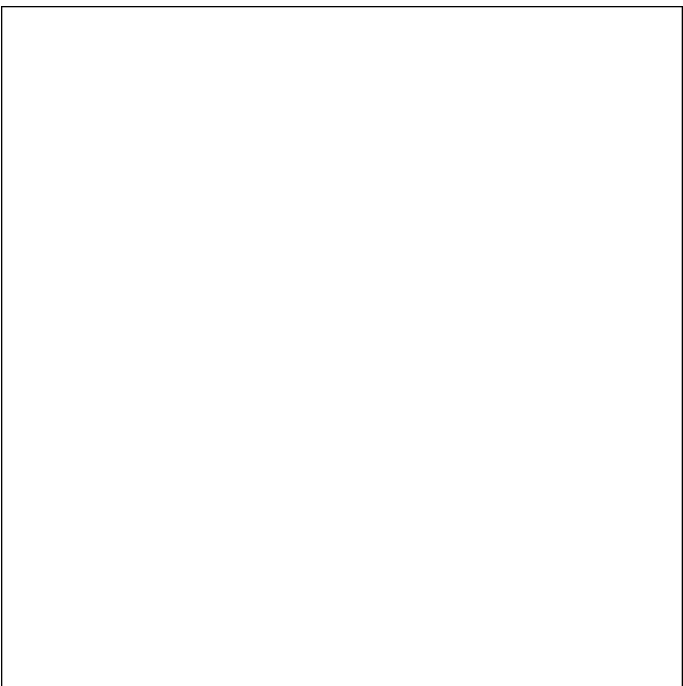


اون کنترل اسکوتر رو از دست میده و میخوره
زمین.

اونگه کارلوس روسو هشتین به جونه می رسونن.
 کارلوس از چوب زیر بغل استفاده می کنه.



بیتابه متنب آستای بندجوری کارلوس.



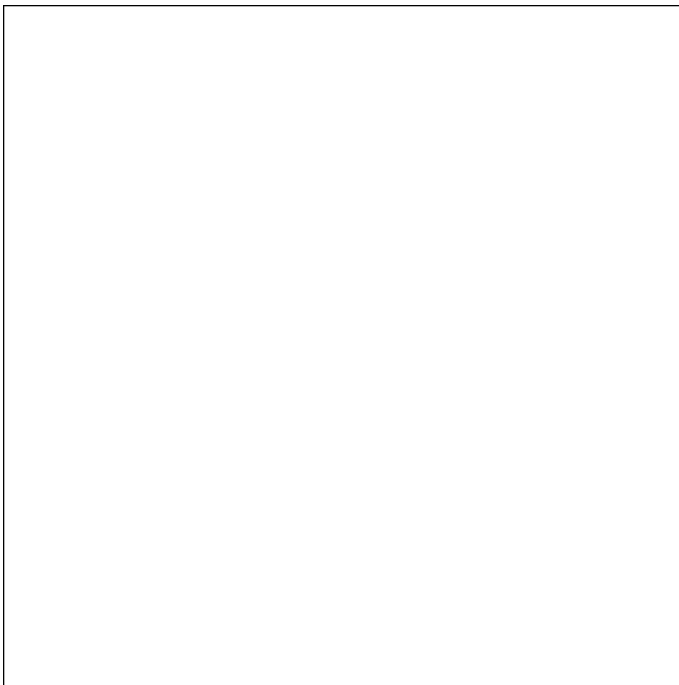


یه زن به آمبولانس زنگ میزنه. «اینجا تصادف شده. سریع باین!»

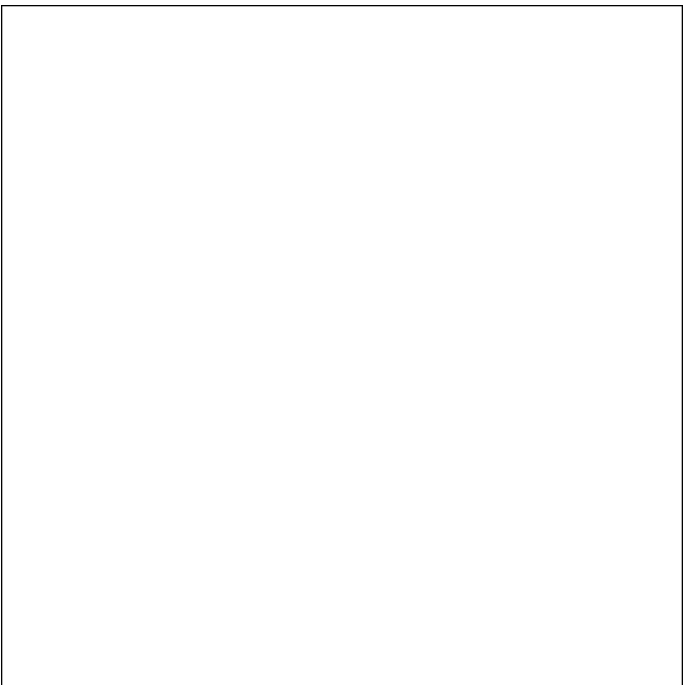


پدر و هدرش به ملاقاتش مین. اونجا ازش میپرسن که تصادف چطور اتفاق افتاد.

میتواند. روی یکر شش روی



مستطی روی یکر شش است.



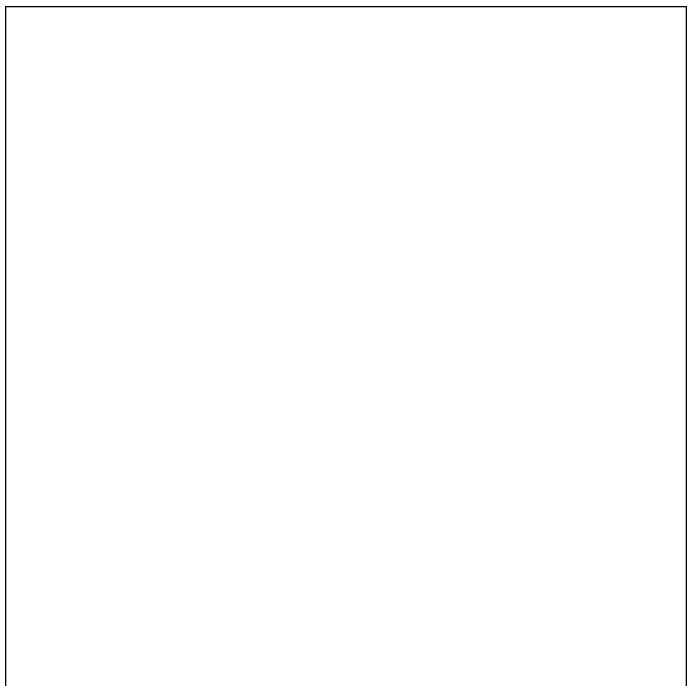


دوټا مرد گرلوس رو روی برانکرد میذارن.

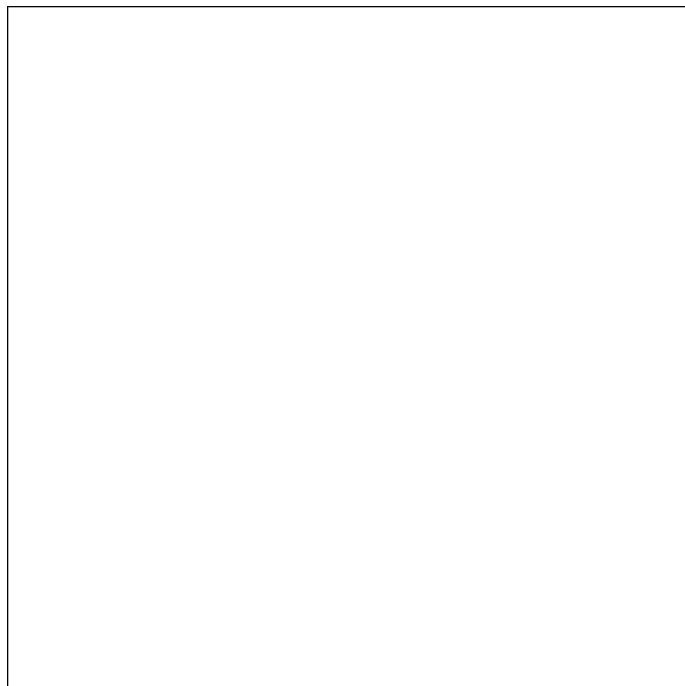


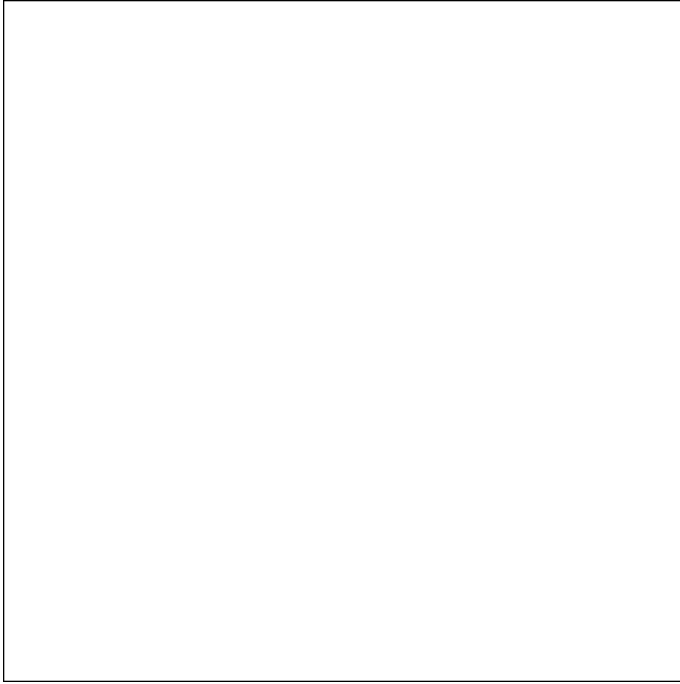
پي گرلوس خپلي درد مي كنه و اون نگرانه.

اونجه گولوس رو توي آمنولانس ميناران.

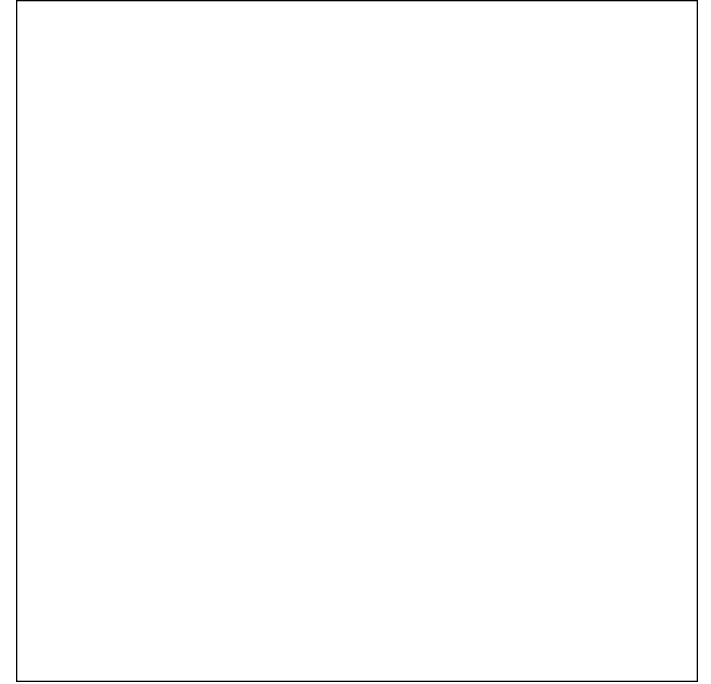


منجه گولوس رسنگي مي كنه. اون به گولوس نه گولوس





آمبولانس به طرف بیهوشن میره.



یه پرسنر گرلوس رو میجره توی بیهوشن.